اقتصاد سبز

نقش پررنگ ضایعات مواد غذایی در تولید گازهای گلخانه‌ای



فاطمه پاسبان
کارشناس کشاورزی

● زنجیره عرضه، زنجیره‌ای است که همه فعالیت‌های مرتبط با جریان کالا و تبدیل مواد، از مرحله تهیه ماده اولیه تا مرحله تحویل کالای نهایی به مصرف‌کننده را دربرمی‌گیرد. در کنار جریان کالا، دو جریان دیگر - جریان اطلاعات و جریان منابع مالی و اعتبارات- نیز وجود دارد. زنجیره عرضه در تمامی فعالیت‌های اقتصادی کاربرد دارد و در سال‌های اخیر کانون توجه برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران به‌منظور دستیابی به اهداف مختلف از جمله کارایی و رقابت‌پذیری بوده است. در بخش کشاورزی نیز زنجیره عرضه و مدیریت صحیح و بهینه آن دارای منافع فراوانی است که از جمله آن می‌توان به افزایش بهره‌وری و رقابت‌پذیری، پایداری امنیت غذایی، حفظ منابع آب و خاک، کاهش ضایعات در مراحل مختلف آن و کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای اشاره کرد. براساس برآوردهای انجام‌شده انتشار گازهای گلخانه‌ای حاصل از فعالیت‌های زنجیره عرضه کشاورزی سالانه حدود هزارو ۹۰۰ تن معادل دی‌اکسیدکربن است که در این میان ۲۷ درصد سهم فعالیت‌های قبل از تولید (مجموع تولید گازهای گلخانه‌ای حاصل از کود، آفت‌کش و سوخت مورد استفاده)، ۴۲ درصد سهم فعالیت‌های بعد از تولید (ضایعات مواد غذایی، خرده‌فروشی، پذیرایی و مدیریت مواد غذایی) و ۳۱ درصد شامل فعالیت‌های تولیدی است که در موجودی به حساب نمی‌آید (مجموع تجهیزات مزرعه، آبیاری، آهک و ازدست‌دادن کربن خاک است) که در این میان سهم فعالیت‌های بعد از تولید بیش از دیگر فعالیت‌های زنجیره عرضه کشاورزی است. بر اساس محاسبات یک مطالعه، تولید مواد غذایی و مصرف آن حدود ۱۹ تا ۲۹ درصد از مجموع تولید گازهای گلخانه‌ای انسانی را به خود اختصاص می‌دهد که در حدود ۹هزارو ۸۰۰ تا ۱۶هزارو ۹۰۰ میلیون تن معادل دی‌اکسیدکربن (CO_2) در سال ۲۰۰۸ تولید شده است. این رقم شامل زنجیره تامین از جمله تولید کودکشاورزی، پردازش، حمل‌ونقل، خرده‌فروشی، مدیریت مواد غذایی خانگی و ضایعات و زباله مواد غذایی است (Vermeulen et al.2012).

در بحث مدیریت عرضه محصولات کشاورزی اطلاعات فائو نشان می‌دهد ضایعات زنجیره عرضه بر حسب حلقه‌های آن متفاوت است. موضوع ضایعات مصرف در شماره‌های قبلی به آن پرداخته شد. در این نوشتار به ضایعات پس از برداشت، حمل و ذخیره‌سازی پرداخته می‌شود. اطلاعات فائو نشان می‌دهد میزان ضایعات غلات و حبوب در بخش برداشت، حمل و ذخیره‌سازی برای اروپا ۴درصد، شمال آمریکا و اقیانوسیه ۲ درصد، کشورهای صنعتی آسیا ۱۰درصد، کشورهای صحرای آفریقا ۸درصد، کشورهای شمال آفریقا، غرب و مرکز آسیا ۸درصد، کشورهای جنوب و جنوب شرقی آسیا ۷درصد و آمریکای لاتین چهار درصد است. ملاحظه می‌شود ضایعات برداشت، حمل و ذخیره‌سازی غلات و حبوب در کشورهای صنعتی آسیا بیشتر از مناطق دیگر است. میزان ضایعات گوشت در بخش برداشت، حمل و ذخیره‌سازی برای اروپا ۰،۷درصد، شمال آمریکا و اقیانوسیه ۱درصد، کشورهای صنعتی آسیا ۰،۶درصد، کشورهای صحرای آفریقا ۰،۷درصد، کشورهای شمال آفریقا، غرب و مرکز آسیا ۰،۲درصد، کشورهای جنوب و جنوب شرقی آسیا ۰،۳درصد و آمریکای لاتین ۱،۱ درصد است. ضایعات برداشت، حمل و ذخیره‌سازی گوشت در کشورهای آمریکای لاتین بیشتر از مناطق دیگر است. برای سبزی‌ها و میوه‌ها میزان ضایعات در بخش برداشت، حمل و ذخیره‌سازی برای اروپا ۵درصد، شمال آمریکا و اقیانوسیه ۴درصد، کشورهای صنعتی آسیا ۸درصد، کشورهای صحرای آفریقا ۹درصد، کشورهای شمال آفریقا، غرب و مرکز آسیا ۱۰درصد، کشورهای جنوب و جنوب شرقی آسیا ۹درصد و آمریکای لاتین ۱۰ درصد است. ضایعات برداشت، حمل و ذخیره‌سازی سبزی‌ها و میوه‌ها در کشورهای آمریکای لاتین و غرب و مرکز آسیا بیشتر از مناطق دیگر است. برای شیر میزان ضایعات در بخش برداشت، حمل و ذخیره‌سازی برای اروپا ۰،۵درصد، شمال آمریکا و اقیانوسیه ۰،۵درصد، کشورهای صنعتی آسیا ۱درصد، کشورهای صحرای آفریقا ۱۱درصد، کشورهای شمال آفریقا، غرب و مرکز آسیا ۶درصد، کشورهای جنوب و جنوب شرقی آسیا ۶درصد و آمریکای لاتین شش درصد است. ضایعات برداشت، حمل و ذخیره‌سازی شیر در کشورهای صحرای آفریقا بیشتر از مناطق دیگر است. ارقام نشان می‌دهد برحسب کالا و منطقه، میزان ضایعات محصولات کشاورزی در بخش برداشت، حمل و ذخیره‌سازی متفاوت است. از این‌رو مدیریت هدررفت مواد غذایی در بخش برداشت، حمل و ذخیره‌سازی برحسب کالا و منطقه جغرافیایی یکی از راهکارهای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای است.



عکس: بلومبرگ

مناقشه‌ای فراتر از پول و اقتصاد

حمله اروپا به دموکراسی یونان

جوزف استیگلیتز . مترجم و پژوهشگر: هما کریمی

موج فزاینده منازعات و تنش در اروپا ممکن است نتیجه اجتناب‌ناپذیر و تلخ بازی بین یونان و طلبکاران به‌نظر برسد؛ اما، رهبران اروپایی درنهایت ماهیت واقعی نزاع بر سر بدهی‌های یونان را فاش کرده و نشان داده‌اند این مناقشه عمدتا در ارتباط با قدرت و دموکراسی و بسیار فراتر از پول و اقتصاد است.

بی‌شک، وضعیت اقتصادی‌ای که در پشت برنامه تروئیکا (سه نهاد شامل کمیسیون اروپا، بانک مرکزی اروپا و صندوق بین‌المللی پول) حدود پنج سال پیش به یونان تحمیل شد، مسئول سقوط سهمگین ۲۵ درصدی تولید ناخالص ملی این کشور بوده است. هیچ رکود اقتصادی‌ای منجر به چنین نتایج فاجعه‌باری نمی‌شد: فقط برای مثال، نرخ بیکاری جوانان امروز از ۶۰ درصد فراتر رفته است. تروئیکا نسبت به بروز چنین فاجعه‌ای کوچک‌ترین احساس مسئولیتی ندارد و حاضر به پذیرش نتایج مدل‌ها و پیش‌بینی‌های بد و نامناسب خود نیست. اما اینکه رهبران اروپا هنوز از عملکرد گذشته درسی نگرفته‌اند، بیشتر موجب حیرت می‌شود. تروئیکا کماکان خواستار دستیابی دولت یونان به مازاد بودجه‌ای برابر با ۳،۵ درصد تولید ناخالص داخلی تا سال ۲۰۱۸ است (به‌اضافه پرداخت بهره وام‌های دریافتی). اقتصاددانان جهان این اهداف را تنبیهی دانسته‌اند که بی‌شک سقوط بیشتر اقتصاد یونان را درپی خواهد داشت. در حقیقت، حتی اگر بدهی‌های یونان، موردبازبینی قرار گیرد و مجددا زمانبندی شود؛ و اگر رأی‌دهندگان در رفراندوم فوری پیش‌رو در پایان این هفته بر پذیرش پیشنهاد تروئیکا رای دهند، رکود اقتصادی حاکم بر این کشور کماکان ادامه خواهد یافت. برای انتقال از وضعیت کسر بودجه گسترده به مازاد بودجه، تنها چند کشور در سطح جهان توانسته‌اند به چیزی بیش از آنچه یونان در پنج سال گذشته به آن دست یافته است، برسند. دولت یونان برای اجابت خواسته‌های طلبکاران، راه بسیارسختی را طی و فشار فوق‌العاده سنگینی بر آحاد مردم وارد کرده است. باید روشن بگوییم که از این حجم عظیم وام‌های اعطایی، پولی به اقتصاد یونان تزریق نشده؛ بلکه وام‌های اعطایی برای بازپرداخت مطالبات بخش خصوصی (شامل بانک‌های فرانسه و آلمان) به‌کار رفته و برای تحکیم وضعیت سیستم بانکی این کشورها هزینه شده است. صندوق بین‌المللی پول و سایر طلبکاران «رسمی» نیازی به این پول ندارند و براساس روال معمول می‌توان پیش‌بینی کرد که دوباره این پول به‌صورت وام به یونان پرداخت خواهد شد. پس می‌بینیم که بحث بر سر پول نیست.بلکه نزاع بر سر زمان بازپرداخت وام است. تروئیکا خواستار آن است که یونان را به تسلیم و قبول سیاست‌های ریاضتی و پذیرش سایر سیاست‌های تهاجمی و تنبیهی مجبور کند. اما چرا اروپا دست به چنین اعمالی می‌زند؟ چرا رهبران اتحادیه اروپا در مقابل رفراندوم اعلام‌شده در یونان جبهه گرفته‌اند و به تعویق چندروزه بازپرداخت بخشی از بدهی یونان به صندوق بین‌المللی پول، پس از سررسید سی‌ام ژوئن رضایت نمی‌دهند؟ آیا همه این دعواها بر سر دموکراسی نیست؟ در ماه ژانویه، شهروندان یونان به دولتی رأی دادند که به سیاست‌های ریاضتی پایان دهد. اگر دولت یونان بخواهد بر سر قول‌هایی که در زمان انتخابات داده است بماند، پس قطعا باید پیشنهاد تروئیکا را رد کند. اما دولت با اعلام رفراندوم اقدامی کرده که برای آینده کشور بسیارحیاتی است. نگرانی نسبت به مسئله مشروعیت مردمی با سیاست‌های منطقه یورو-که هیچ‌گاه مبتنی بر نظریات مردم نبوده - هیچ تطابقی ندارد. اکثر دولت‌های عضو اتحادیه اروپا، به هنگام اجرای دستورات سیادت‌طلبانه بانک مرکزی اروپا، به‌دنبال تأیید مردم نبوده‌اند. فقط هنگامی که سوئد به همه‌پرسی دست زد، مردم سوئد «نه» گفتند. آنها می‌دانستند اجرای دستورات بانک مرکزی اروپا که فقط به «تورم» توجه دارد، موجب گسترش سریع بیکاری خواهد شد (حتی به پایداری ساختارهای مالی نیز توجه کافی نمی‌شود). اقتصاد سوئد از تبعیت از دستورات بانک مرکزی اروپا آسیب می‌دید، زیرا مدل موردنظر اتحادیه اروپا براساس روابط قدرت و به زیان کارگران طراحی شده است. ۱۶ سال پس از شکل‌گیری اتحادیه پولی منطقه یورو، رابطه سازمان‌یافته قدرت در اتحادیه اروپا، فرایندی ضددموکراسی است. بسیاری از رهبران اتحادیه اروپا خواستار سقوط دولت الکسیس سیپراس هستند چراکه حضور دولتی در یونان که با سیاست‌های اتحادیه اروپا که منجر به افزایش نابرابری در بسیاری کشورها شده، مخالف بوده و خواستار مهار قدرت لجام‌گسیخته ثروت شده است، برای آنها قابل‌قبول نیست. به‌نظر می‌رسد رهبران اتحادیه اروپا می‌توانند با مجبورکردن دولت یونان به قبول پیشنهادات تروئیکا، این دولت را به‌دلیل عدم‌پایبندی به تعهدات قبلی خود، ساقط کنند. برای مردم یونان درباره نحوه رأی‌دادن در روز پنجم جولای نمی‌توان نسخه نوشت. نه تأیید و نه رد تقاضای تروئیکا آسان نخواهد بود. هر دو تصمیم مخاطرات فراوانی را به‌دنبال خواهد داشت. رأی «آری» به‌منزله ادامه رکود بی‌پایان خواهد بود. کشوری که هرچه داشته، فروخته و جوانانش مهاجرت کرده‌اند، شاید روزی بدهی‌هایش بخشوده شود؛ شاید به کشوری با درآمد متوسط مبدل شود و بتواند کمک بانک جهانی را جلب کند. این تغییرات ممکن است در یک یا دو دهه آینده رخ دهد. در مقابل، رأی «نه» این امکان را به یونان می‌دهد که بر پایه سنت دموکراتیک خود، سرنوشت خویش را دردست گیرد. مردم یونان باید این فرصت را داشته باشند که آینده خویش را رقم زنند. هرچند که در آینده نزدیک سطح رفاه آنها کاهش پیدا خواهد کرد؛ اما پذیرش این چشم‌انداز به‌مراتب از تداوم شکنجه‌های کنونی امیدوارکننده‌تر خواهد بود.

آغاز دور جدید دوئل گازی ایران- قطر

مهر: دردسرهای گازی قطر برای برگزاری میزبانی آبرومندانه مسابقات جام جهانی فوتبال در سال ۲۰۲۲، با روشن‌شدن موتور ایران در افزایش تولید گاز از پارس جنوبی و سقوط قیمت جهانی ال‌ان‌جی، دوچندان شده است. افزایش تولید گاز در پارس جنوبی و جلوافتادن از قطر در این میدان مشترک گازی در خلیج فارس، یکی از مهم‌ترین سیاست‌های کلان اقتصاد انرژی ایران است. با وجود این، پس از خروج غول‌های نفتی جهان از طرح توسعه فازهای پارس جنوبی، یک وقفه کوتاه‌مدت در توسعه و افزایش تولید گاز ایران در پارس جنوبی رخ داد؛ اما با بهره‌برداری از فازهای جدید همچون طرح توسعه فاز ۱۲ و بخش‌هایی از طرح توسعه فاز ۱۵ تا ۱۸ پارس جنوبی، سال گذشته روزانه ۱۰۰ میلیون مترمکعب به ظرفیت برداشت گاز ایران در پارس جنوبی افزوده شده است. مسئولان شرکت ملی نفت ایران برای سال جدید هم وعده افزایش ۱۰۰ میلیون مترمکعبی تولید روزانه گاز در این میدان مشترک گازی را داده‌اند و با گذشت حدود سه ماه از آغاز سال، اولین طرح افزایش تولید گاز در این میدان عظیم گازی ایران در قطر، در مدار بهره‌برداری قرار گرفت. به‌عبارت دیگر، با بهره‌برداری از طرح جدید افزایش تولید گاز در فاز یک پارس جنوبی، ظرفیت تولید روزانه گاز ایران از پارس جنوبی تا مرز ۵۰۰ میلیون فوت مکعب افزایش یافت و با اجرای یک طرح ابتکاری، ایران میزان برداشت گاز را از یکی از بلوک‌های مرزی با قطر افزایش داده است. با این افزایش تولید گاز، دردسرهای گازی قطر در پارس جنوبی دوچندان شد، به‌طوری‌که از یک‌سو با مشکلات اقتصادی ناشی از سقوط قیمت ال.ان.جی در بازار جهانی باید دست‌وپنجه نرم کند و از سوی دیگر، ایران دور جدید یورش خود را برای افزایش برداشت گازهای ترش از پارس جنوبی، آغاز کرده است.

نگاه اقتصادی سه عالم فرهیخته به نظام سرمایه‌داری



عبدالرسول خلیلی
استاد دانشگاه

در سیاست‌های کلی ابلاغی برنامه ششم توسعه، به تحقق اهداف برنامه در ارائه الگویی برآمده از تفکر اسلامی در زمینه پیشرفت، که مستقل از نظام سرمایه‌داری جهانی است، اشاره شده است. هم‌زمان با ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه ششم از سوی مقام معظم رهبری، در اینجا دیدگاه سه عالم فرهیخته شهید را درباره نظام سرمایه‌داری پی می‌گیریم. شهید مطهری، اقتصاد سرمایه‌داری را برگرفته از تفکر لیبرالیستی دانسته است. از منظر او، این اقتصاد به نظم طبیعی اعتقاد دارد و هیچ‌گونه دخالت و تدبیری را در اقتصاد توصیه نمی‌کند، ازاین‌رو این پرسش که آیا علم اقتصاد به اجتماع سرمایه‌داری، اختصاص دارد از آنجا ناشی می‌شود که نظریه‌پردازان دانش اقتصاد از طرفداران نظام سرمایه‌داری بوده‌اند. در نظام سرمایه‌داری به علت فردگرایی، رفتارهای اقتصادی به‌گونه‌ای سازماندهی می‌شود که منافع افراد تأمین شود و برهمین‌اساس، مصرف‌کننده حاکم است و اوست که تعیین می‌کند چه چیز، چه مقدار و برای چه‌کسی تولید شود. تولیدکننده نیز در این نظام به‌دنبال حداکثرکردن سود خود است؛ یعنی کالاهایی را تولید می‌کند که سودآوری بیشتری برای او داشته باشد. این جمله معروف آدام اسمیت است که هرگاه هر کسی، منافع خودش را حداکثر کند، منافع جامعه هم تأمین خواهد شد و برهمین‌اساس، مالکیت خصوصی، آزادی اقتصادی و دخالت حداقل دولت را تجویز می‌کنند. بنابر تأکید بر اصالت فرد و داعیه تأمین منافع او، مبنای سیاست‌گذاری‌ها، قوانین و برنامه‌ریزی‌ها، خواسته‌های مردم است، حتی بسیاری از فرضیه‌های دانش اقتصاد که از مبانی و اعتقادات نظام لیبرالیستی گرفته شده، بر پایه حداکثرکردن مطلوبیت و تمایلات مردم استوار است و به‌طور معمول، به مطلوبیت و خواسته در چارچوب مادی آن نگریسته شده است؛ برای مثال، تعیین نوع و میزان مصرف افراد، نظام قیمت‌گذاری، همچنین تعیین کالاهایی که باید تولید شود و کمیت و کیفیت آنها، براساس میزان تقاضای افراد از آن کالاهاست که آن‌هم برخاسته از تمایلات آنهاست. حتی از این هم فراتر رفته، ریشه ارزش و مالیت را مطلوبیت و تمایلات مردم می‌دانند و برای مشروع‌بودن کاری، قرارداشتن آن کار در جهت خواسته‌های عموم را کافی می‌شمارد. در نظام سرمایه‌داری لیبرال، اساس فعالیت‌ها را رقابت در جهت یافتن سود بیشتر تشکیل می‌دهد و بازار رقابت کامل، آرمان دست‌نیافتنی این نظام معرفی می‌شود؛ نظام سرمایه‌داری لیبرال براساس اصیل‌دانستن فرد و اعتباری‌شمردن اجتماع، مالکیت خصوصی بر عوامل تولید (زمین، کار، سرمایه) را به‌صورت مطلق و بدون محدودیت، مجاز می‌داند. براین‌اساس سرمایه‌داری معتقد است اختلاف ثروت و دارایی افراد می‌تواند خیلی فاحش باشد. شهید بهشتی نیز منتقد جدی نظام سرمایه‌داری است. درواقع او نیز مانند مطهری، منتقد جدی الگوهای نظام سرمایه‌داری و سوسیالیستی، به‌عنوان دو قطب بزرگ اقتصادی جهان، است و نظام اقتصادی اسلامی را منطبق بر هیچ‌یک از الگوهای یادشده نمی‌داند. وی دراین‌زمینه در کتاب «اقتصاد اسلامی» می‌نویسد: «می‌توان یک نظام اقتصادی نو پدید آورد که نه اقتصاد سرمایه‌داری است که عملا دست بهره‌کشان را باز می‌گذارد و استثمارشدگان را به دام استثمارگران می‌افکند و نه اقتصاد سوسیالیستی همه دولتی که عملا بسیاری از آزادی‌ها را گرفته یا خنثی و بی‌اثر می‌کند و دولت را به‌صورت کارفرمای بزرگ یا قدرت درمی‌آورد. آن چیزی که دزدی است و منجر می‌شود به اینکه عده‌ای بتوانند رگ‌های نامربی برای جذب ارزش‌های تولیدی دسترنج کار مغزی و یدی دیگران، ایجاد و انبار کنند، همین سود سرمایه بازرگانی است. در این سود خرید و فروش‌ها، آن مقدار که در برابر حق‌الزحمه خریدار و فروشنده، منشی و حسابدار و کارگر و هزینه تلفن و امثال آن است، جای اشکال نیست، اما کسی که می‌گوید بدین حساب که او هزار تن، خرید و فروش کرده است، فلان مقدار می‌خواهد و اگر صد تن، بود با همان مقدار کار ۱۰ درصد آن سود را می‌خواهد، صحیح نیست.

ادامه در صفحه ۱۵

گذر

وزیر راه: مسکن مهر حرکتی احساسی با جانمایی غلط بود

● **فارس:** وزیر راه‌وشهرسازی گفت: تا پایان سال ۹۵ با تأمین اعتبارات و رفع نواقص، تلاش می‌کنیم پرونده مسکن مهر بسته شود. عباس آخوندی در جریان بازدید از پروژه‌های مسکن مهر اردبیل اظهار کرد: استان اردبیل یکی از استان‌های پیشرو در تکمیل واحدهای مسکن مهر است، به‌طوری که ۹۰ درصد عملیات اجرائی این پروژه به انجام رسیده است. وی با بیان اینکه مابقی این واحدها نیز با تأمین نقدینگی و حل برخی مشکلات زیرساختی قرار است تا پایان امسال در استان اردبیل تکمیل شوند و به متقاضیان تحویل داده شوند، گفت: در بحث مسکن مهر به‌دلیل جانمایی‌های غلط و حرکت احساسی در گذشته، ما با مشکلات و گرفتاری‌های لاینحلی روبه‌رو بودیم و در سطح کشور سعی شد این مشکلات یکی پس از دیگری گره‌گشایی شوند.

براساس نظرسنجی رویترز

رشد ۶۰ درصدی تولید نفت ایران در صورت توافق هسته‌ای

● **ایرنا:** خبرگزاری رویترز با نظرسنجی از تحلیلگران، پیش‌بینی کرد در صورت توافق هسته‌ای میان تهران و کشورهای گروه ۵+۱ و لغو تحریم‌های ایران، این کشور می‌تواند ظرف یک سال تولید نفت خام خود را ۶۰ درصد افزایش دهد.رویترز روز چهارشنبه (۱۰ تیرماه)، با نظرسنجی از ۲۵ تحلیلگر نفتی در بانک‌ها و کارگزاری‌ها، پیش‌بینی کرد ایران تا پایان سال ۲۰۱۵ می‌تواند روزانه ۲۵۰ هزار تا ۵۰۰ هزار بشکه به تولید نفت خام خود بیفزاید و فروش این ماده را تا اواسط سال ۲۰۱۶، روزانه ۷۵۰ هزار بشکه افزایش دهد.برپایه این نظرسنجی، ایران می‌تواند مجموع تولید نفت خام خود را به سه‌میلیون و ۶۰۰ هزار بشکه در روز، بالاترین سطح در چهار سال گذشته، برساند و این شرایط می‌تواند رشد ۶۰ درصدی صادرات نفت این کشور را به‌همراه داشته باشد و بازار را با مازاد عرضه احتمالی روبه‌رو کند.نظرسنجی رویترز نشان می‌دهد با توجه به دوره زمانی راستی‌آزمایی پس از به‌نتیجه‌رسیدن مذاکرات هسته‌ای تهران و کشورهای گروه ۵+۱ در وین و لغو تدریجی تحریم‌ها، افزایش تولید نفت ایران زمان‌بر خواهد بود.اولیور جاکوب، یک تحلیلگر در بازار انرژی سوئیس، دراین‌باره گفت: چند ماه طول می‌کشد ایران بتواند صادرات خود را به‌طور کامل افزایش دهد.



ارتباط با روزنامه شرق
SHARGHLINE
@SHARGHDAILY.IR